

تقلای رژیم برای مهار جنبش و پیشگیری از برگزاری سالگرد ۱۸ تیر !

حدود یکماه دیگر چهارمین سالگرد خیزش دانشجویی و مردمی ۱۸ تیر ، فرا خواهد رسید . مراسم امسال هم بدلیل بحران فروپاشی جمهوری اسلامی و هم بدلیل فراخوان گسترده تشکلهای دانشجویی و نیروهای اپوزیسیون برای برگزاری پرشکوه آن ، موجی از وحشت در میان سردمداران حکومت اسلامی ایجاد کرده است ، به همین خاطر و کلا بدیل « حالت فوق العاده » جاری ، رژیم و باندهای فاشیستی اش ، در هفته های اخیر سعی در پدید آوردن موجی از رعب و سرکوب در سطح جامعه - بویژه در محیطهای دانشگاهی - داشته اند .

صدور احکام شدید و قرون وسطایی علیه فعالین « ملی مذهبی » و دیگرمتهمین دگراندیش ، یورش سراسری به زنان بدلیل نافرمانی مدنی آنها در برابر حجاب اجباری - که اینبار با اسم رمز « مخالفت با ماتوهای کوتاه » آغاز شده - ، بر هم زدن رفتارند سمبلیک دفتر تحکیم وحدت در دانشگاهها که در تهران و همدان انعکاس وسیعی داشت ، اعمال فشار بر دانشجویان دانشگاه یزد برای پایان دادن به تحصن خود و نیز بر کارگران چیت سازی بهشهر برای خاتمه دادی به اعتصاب غذای خویش که سبب جلب همبستگی بیسابقه مردم شهر شده است ، سرکوب وحشیانه تظاهرات جوانان و تهیدستان « فولاد شهر » اصفهان ، صدور حکم اعدام برای یکی از مبارزان زندانی حزب دمکرات کردستان ایران ، تعقیب و شلیک گلوله بسوی تعدادی از جوانان در اصفهان که مشغول چسباندن فراخوانهای ۱۸ تیر بر روی دیوارها بودند (که بنا به اطلاعیه « دانشجویان مبارز اصفهان » منجر به مرگ یک جوان ۲۲ ساله اهل استان چهارمحال بختیاری بنام « رحمان امینی » گردید) ، دستگیری و ضرب و شتم یکی از فعالین حزب ملت ایران در بوکان بنام « سیاوش حاجی » ، تهاجم به برنامه سخنرانی جبهه ملی خوزستان برای پرویز ورجاوند ، دستگیری تعدادی از فعالین عرب در اهواز که عضو حزب « الوفاق » هستند (که در شورای شهر ، اکثریت دارند) ، یورش بسیجی ها به مراسم سخنرانی فریبرز رئیس دانا و سعید مدنی در دانشگاه بین المللی « خمینی » تهران ، محاصره فرودگاه مشهد و سپس استانداری خراسان برای جلوگیری از سخنرانی « مزروعی »

(نماینده مجلس) و تلاش انصار حزب الله برای دستگیری و ضرب و شتم نامبرده ، دستگیری شماری از دانشجویان فعال در نیشابور و اقداماتی از این دست ، همه و همه نشان میدهند که رژیم در اوج انزوای داخلی و بین المللی و برای حفظ حیاتش ، چاره ای جز تشدید سرکوب و تکیه بر سرنیزه های عربیان نمی بیند . از اینرو جنبشهای اجتماعی برای اینکه به رژیم ثابت کنند که « بر شاخ نشسته ، بن میبرد » و به او بفهمانند که « بر سرنیزه میتوان تکیه کرد ، اما روی آن نمیتوان نشست » ! چاره ای جز گسترش مبارزه ، تقویت صفوف خود، ایجاد ارتباط و هماهنگی بین خویش و ایجاد و توسعه نهادها و تشکلهای مردمی و مستقل خود ندارند . تنها از طریق سنگربندی توده ای و گسترش مبارزه ، همبستگی و تشکل است که میتوان موج جدید سرکوب را به عقب راند و جنبش را گامی دیگر بسوی سرنگونی رژیم اسلامی از طریق یک انقلاب توده ای نوین ، هدایت نمود .

سرنگون باد جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی ، زنده باد سوسیالیسم

کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) ۱۵ خرداد ۱۳۸۲